

## معرفی یک جُنگ خطی

سید حسن عباس\*

در کتابخانه مرکزی دانشگاه هندوی بنارس ذخیره خوبی از نسخه‌های خطی فارسی نگهداری می‌شود و فهرستی از آن به کوشش شادروان پروفیسور امرت لعل عشرت (۱۹۸۹-۱۹۳۰ م) به انگلیسی منتشر شده است. در این فهرست ۹۳۷ نسخه خطی معرفی گردیده؛ البته تعداد واقعی نسخه‌ها بیش از آن است، زیرا که در بعضی موارد در یک مجلد بیش از دو سه کتاب و رساله هم صحافی و معرفی شده است. اخیراً نسخه‌ای از این گنجینه پربها به مطالعه درآمد که در فهرست به عنوان مجموعه قصاید نامیده شده است. شماره این جُنگ ۴۹۱ و تعداد برگ‌ها ۲۳۸ و قطع ۱۳×۸/۵ اینچ مؤرخ ۱۸۶۰ میلادی و موضوع آن شعر است، و در توضیحات آمده است که: یک مجموعه خوب، به خط نستعلیق و خوانا، دارای گزیده اشعار عارف سبزواری، شیخ علی حزین اصفهانی، شوکت بخارایی و حامد آذربایجانی و غیره فراهم گردیده است. آغاز: به دهن تا که ترم کام و زبان خواهد بود دمدم از می‌ام آلوده دهان خواهد بود<sup>۱</sup> وقتی این مجموعه را دیدم، روی برگ اول در گوشه‌ای به همان خط که این جُنگ در آن کتابت شده، چنین نوشته شده است:

قصاید عارف سبزواری خراسانی

قصاید شوکت بخارایی

قصاید حامد آذربایجانی

---

\* استادیار فارسی دانشگاه هندوی بنارس، واراناسی.

۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه هندوی بنارس، ص ۹۴.

قصیده مولوی فضل حق خیرآبادی (عربی)

قصاید علی نقی کمره‌ای

نسخه از لحاظ خط، خوب و خوانا و کیفیت آن نیز مطلوب است. البته این جنگ نه فقط قصیده دارد بلکه غزلیات و مخمسات و تضمینات نیز در آن دیده می‌شود. فهرست مطالب این جنگ به قرار زیر است:

”من مخمسات جناب عارف نعمةاللهی السبزواری الخراسانی“ که بیشتر غزلیات حافظ را تضمین کرده است.

#### مخمّس، غزلیات و تضمینات

- |                                       |                |    |
|---------------------------------------|----------------|----|
| به دهن تا که ترم کام و زبان خواهد بود | مخمّس          | ۱. |
| منم که گشته‌ام آواره دشت و صحرا را    | ”              | ۲. |
| زمان رنج و ملال و الم نخواهد ماند     | ”              | ۳. |
| عالمی را به نظر زیر و زبر می‌بینم     | ”              | ۴. |
| سحر به عزم صبحی من شراب زده           | غزلیات/تضمینات | ۵. |
| ز پیر باده فروشم نصیحتی یاد است       | ”              | ۶. |
| هر کسی را در درون خلوت دل راه نیست    | ”              | ۷. |
| تا کی به لب فشارم دندان مدعا را       | ”              | ۸. |
| هر طرف گسترده زاهد دام را             | ”              | ۹. |

#### غزلیات و مخمّس

- |  |        |    |
|--|--------|----|
| آنچه باش از دیده می‌جستیم در دل بوده است | غزلیات | ۱. |
| بیشه وحدت گزیدن بیشه شیر است و من        | ”      | ۲. |
| ای دل اندر عشق بازی درد می‌باید کشید     | ”      | ۳. |
| هر چند کزو نهفته‌تر نیست                 | ”      | ۴. |
| طرهات مشک ساست می‌دانم                   | ”      | ۵. |
| وصف رخسارت به هر تقدیر نتوانست کرد       | ”      | ۶. |
| گیرم که وصل یار میسر نشد، نشد            | ”      | ۷. |
| خون دل ما رنگ حنا شد، شده باشد           | ”      | ۸. |
| با درد بسرکن که دوایی به ازین نیست       | ”      | ۹. |

۱۰. " تاجداری کنی چه خواهی کرد
۱۱. " اگر عمری طرب کردی چه کردی
۱۲. " باشد که یارب بینمت پیچان و چسپان در بغل
۱۳. " در طریق عاشقی خواهی قدم برداشتن
۱۴. " خواهی اندر کعبه خواهی ساکن بتخانه باش
۱۵. " **مخمس (مکرّر)** به دهن تا که ترم کام و زبان خواهد بود
۱۶. " یار ما از ما جدا شد آه آه
۱۷. " گفتم لبش به جانب ما وا شود، نشد
۱۸. " در میکده بنشین که مقامی به ازین نیست
۱۹. " خرمدلی که بر دل پیر مغان رسد
۲۰. " درستست جامه ناموس دریدیم عبث
۲۱. " عشاق را به حور و به غلمان چه احتیاج
۲۲. " در ره درد زه عالم به هوایت رقاص
۲۳. " ز من شنو مشو اندر پی کمال آنجا
۲۴. " به ملک دل عمل داری ازین بهتر چه می خواهی
۲۵. " گیرم که بخت یار تو شد، شد، نشد نشد

#### قصاید شیخ علی حزین

۱. غیر نفی غیرت یکتای بی همناستی
۲. پرتو روی ترا نیست جهان پرده دار
۳. پیوند بود با رگ جان خار ستم را
۴. جان تازه ز تردستی ابرست جهان را
۵. مرغ شب بیشتر از آنکه برآرد آواز
۶. از چاک سینه چون جرس آوا برآورم
۷. آمد سحر ز کوی تو دامن کشان صبا
۸. ای موی ترا غالیه سا عنبر سارا
۹. یک پرده نشید است صلا گوش اصم را
۱۰. در زیر لب آوازه شکستیم فغان را
۱۱. با همه سیلی کی شسته روی زمین را

۱۲. بریده لذت دردت ز دل تمنی را
۱۳. شد جان و هوش و صبر و خرد را زکار دست
۱۴. زین ششدرم چو بال فشانی دهد گشاد
۱۵. زان پیش کز فراز در هفت خوان صبح
۱۶. چون شست غمزه تو گشاد کمان دهد
۱۷. آنجا که خامه شکر گفتار بشکند
۱۸. غم چو در سینه لنگر اندازد
۱۹. با همه دعوی اسلام چو اصحاب سعیر
۲۰. مشکینه طره به شب عنبرین لباس
۲۱. آن طایر قدسم که چکد خون ز صفیرم
۲۲. مژده یاران که ازین منزل ویران رفتم
۲۳. دل فلک معنویست عقل رصدان او
۲۴. نظر کن در سواد صفحه‌ام تا گلستان بینی
۲۵. ای نگاهت به صید دل بازی
۲۶. زده‌ام طبل عشق و رسوایی
۲۷. خوش آنکه دل به یاد تو رشک چمن شود
۲۸. قول و عمل زشت و نکو گرچه قضا کرد
۲۹. دل شاد را جمع ساغر نماید
۳۰. در صبح عارض از خط مشکین نقاب کش
۳۱. تا در چمن این سرو برازنده چمانست
۳۲. نی خامه دارد سر خوشنوایی
۳۳. از یمن سرفرازی مدح خدایگان
۳۴. ای دل لباس عاریتی از جهان مخواه
۳۵. ای پرتو جمال ترا مظهر آفتاب
۳۶. هر چند که دنیاست ره و ما همه راهی
۳۷. بنده‌ام مسکنت سرای من است
۳۸. چشمم گشوده است در فیض نو بهار
۳۹. نبندی دل ای بخرد هوشیار

۴۰. ای به طبع تو افتخار سخن  
 ۴۱. دوش دلم چون کشید خنجر آه از قراب  
 ۴۲. خمش ز خوی تو عاشق بود زبانش و لرزد  
 ۴۳. ای مژه و غمزهات صفدر صاحبقران [فقط ۲ بیت آمده]  
 ۴۴. آتش زده آهم اختران را

باید عرض کنم که از ردیف یک تا چهل تمامی قصیده‌ها در دیوان حزین لاهیجی چاپ آقای بیژن ترقی آمده است، اما از ۴۱ تا ۴۴ نیامده. همچنین یک نسخه خطی از دیوان حزین لاهیجی نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه هندوی بنارس به شماره ۱۰۲ موجود است که آن هم بیشترین قصاید حزین لاهیجی را دربردارد و آقای دکتر عمر کمال‌الدین آن نسخه دیوان حزین را معرفی کرده است.

پس از دو صفحه ساده، در ترقیمه آمده است:

”الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيد المرسلين و على آله الاكرميين الى يوم الدين که به اتمام رسید قصاید جناب ابلغ المتقدمين و افصح المتأخرين، حاوی کمالات علمی و عملی، جامع فضایل و فواضل خفی و جلی، زبدة الشعراء الاکملین، مولانا الشیخ محمد علی المتخلص به حزین [که] از مردم لاهیجان گیلان است و از اولاد شیخ زاهد، مرشد شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که صاحب سلسله سلاطین صفویه بود و والد ماجد او ابوطالب نام داشت [و] از این جهت سجع نگینش علی بن ابی‌طالب<sup>(ع)</sup> بوده است و خالی از لطفی نیست؛ و در زمان نادر شاه از ایران وارد هندوستان گشته، آخر در بلدة بنارس رحل اقامت انداخته به سامان امارت عمر شریف به سر برد.

تمت هذه القصاید در سنه ۱۲۷۷ هجری نبوی در شهر محرم الحرام.“

پس از این نیز دو برگ (۴ صفحه) ساده مانده است. سپس به عنوان قصاید علی نقی کمره‌ای، یک قصیده وی نقل گردیده است:

چو خفتگان لحد را صباح روز نشور

سپس باز هم ۳ برگ (۶ صفحه) ساده گذاشته شده و به عنوان «قصاید شوکت بخارایی»، قصیده‌های زیر از وی آمده است:

۱. بس که دارد ناتوانم دور چرخ بی‌وفا
۲. بس که جوشد شعله حل کرده از مینای من
۳. صاحباً رنگ عیشت افزون باد
۴. بیاض صبح که آمد به دیده مخمور
۵. خالت شرر ز شعله گل آشکار کرد
۶. شبنم تشنه لب ز تو سیراب
۷. آشیان را زدم آتش ز گلستان رفتم
۸. وجود کوه چنان نرم شد ز ابر مطیر

باز هم یک صفحه ساده مانده و به عنوان «قصاید ملأ حامد آذربایجانی» قصاید و

غزلیاتش را آورده است:

۱. **قصیده** زمانه از پی کینم کشیده تیغ ستم
۱. **غزلیات** ساقی حوض کوثر است علی<sup>(ع)</sup>
۲. از من چه خطا دیده‌ای نور دو دیده
۳. یا رب ترحمی ده آن یار بی‌وفا را
۴. ای مسلمانان چه شد لیلای دل
۵. تا زنده‌ام ای جان به طلبگار تو باشم
۶. ای که دلم رفته به یغمای تو
۷. آه از دمی که یار ز عشقم خبر شود
۸. ای بی‌مروت از من مسکین چه دیده‌ای
۹. واعظان گر درک سوز آتش هجران کنند
۱۰. رسیدنم بر جانان چه مشکل افتاده است
۱۱. زین سبب دیوانه ما با کسی مأنوس نیست
۱۲. نازک بدنا سیم‌تتا لاله عذارا
۱۳. آه صد آه که گشتم ز بر یار جدا
۱۴. رسید موسم گل سبزه‌ها ز خاک دمید
۱۵. جای دل در خم آن زلف پریشان دادم
۱۶. ز حسن روی تو خور خوبی جمال گرفت
۱۷. امروز دگر آخته‌ای تیغ جفا را

.۱۸

بنمای رویت تا کنم یکدم تماشای دگر

قصیده در مدح [پدر خود] نواب سید علی حسین خان بهادر معروف به نواب الدوله صاحب دام اقباله:

هر صبح رخ چو خسرو خاور عیان کند

در مرثیهٔ ولد خود محمد نصیر که در فرخ آباد انتقال کرده بود:

فغان که سوخت فلک مغز استخوان من

پس از کلام حامد آذربایجانی یک قصیدهٔ مولوی فضل حق خیرآبادی به عربی در نعت رسول (ص) و یک غزل عارف (شاید همان عارف اول الذکر باشد) به مطلع زیر آمده است:

شمشاد قد و لاله رخ و گلبدن اینست جانانه هر خلوت و هر انجمن اینست

این مجموعهٔ قصاید، به سبب دارا بودن اشعار عارف سبزواری و حامد آذربایجانی، حایز اهمیت است. ذکر هر دو شاعر در تذکره احتمالاً نیامده است. حامد آذربایجانی از ایرانیان مقیم هند به شمار می‌آید. خوشبختانه نسخهٔ خطی دیوان حامد مراغه‌ای آذربایجانی در همین کتابخانه نگهداری می‌شود که اخیراً سعادت دیدن آن را به دست آوردم و معرفی این نسخه را به فرصت بعدی موکول کرده‌ام. این نسخه احتمالاً به خط شاعر است و دارای قصاید و غزلیات می‌باشد؛ البته تاریخ کتابت و نام کاتب و ترقیمه هم ندارد و از آخر چند برگ افتادگی نیز دارد.

قصاید بیشتر در مدح امیر مؤمنان حضرت علی (ع) و در مدح نواب سید علی حسین خان بهادر معروف به دوله صاحب و چند نفر دیگر است که اسامی‌شان نیز قیدگردیده است.